کوتاه از جامعه

واکسیناسیون ادامه دارد

نادر توکلی، معاون درمان ستاد مقابله با کرونا گفت: «یکی از برنامه‌های ملی در وزارت بهداشت و درمان واکسیناسیون است و این مهم حداقل باید تا دو سال آینده انجام شود. در حقیقت بین شش تا ۹ ماه یک بار، کل کشور باید واکسینه شوند.»

وی گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال را گروه مولد و سازنده جامعه عنوان کرد و افزود: «مرگ‌ومیر در این گروه سنی تبعات اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی دارد و به همین جهت هدف افزایش سرعت واکسیناسیون عمومی در جامعه است.» /فارس

تمدید مهلت ثبت‌نام کتب درسی

حسن ملکی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گفت: «هر دانش‌آموزی به هر علتی موفق نشده باشد تاکنون ثبت سفارش کتاب درسی انجام دهد تا ۳۱ شهریور فرصت دارد ثبت‌نام کند.» به گفته ملکی تاکنون در دوره ابتدایی ۹۶/۹۲ درصد، دوره اول متوسطه ۸۷/۲۲ درصد، دوره دوم متوسطه ۸۳/۰۷ درصد، ثبت سفارش کتب درسی انجام شده و در مجموع ۹۱/۹۶ درصد ثبت سفارش صورت گرفته است که ۸۹/۹۸ درصد ثبت‌نام دانش‌آموزان بوده است. از این آمار ۹ درصد دانش‌آموز هنوز ثبت سفارش نکرده‌اند. /آموزش و پرورش

رکورد واکسیناسیون شکسته شد

با تزریق یک میلیون و ۵۹۰ هزار و ۲۰۵ دوز واکسن کرونا در یکشنبه گذشته، رکورد تزریق روزانه واکسن در کشور شکسته شد. تا دیروز ۲۴ میلیون و ۱۴۴ هزار و ۷۵۰ نفر دوز اول واکسن کرونا و ۱۲ میلیون و ۴۹۲ هزار و ۵۹۸ نفر نیز دوز دوم را تزریق کرده‌اند و مجموع واکسن‌های تزریق‌شده در کشور به ۳۶ میلیون و ۶۳۷ هزار و ۳۴۸ دوز رسیده است. /وزارت بهداشت

سبد واکسیناسیون متنوع‌تر می‌شود

علیرضا زالی، فرمانده عملیات مدیریت کرونا در کلانشهر تهران از افزایش روند واردات واکسن در روزهای اخیر خبر داد و گفت: «در روزهای آینده در واکسیناسیون کرونا شاهد سبد متنوع‌تری خواهیم بود.» وی افزود: «آخرین مطالعه جهانی درمورد اثربخشی واکسن کرونا نشان داد افرادی که واکسن می‌زنند، ۱۱ برابر نسبت به سایر افراد احتمال مرگ و میر و بستری کمتری دارند.» زالی عنوان کرد: «فرآیند واکسیناسیون جمعی در کشور تاکنون رایگان بوده و دولت هزینه‌های مربوطه را پرداخت کرده است.» وی همچنین به راه‌اندازی مراکز واکسیناسیون ۲۴ ساعته در تهران اشاره کرد و ادامه داد: «در حال حاضر در تهران در مرحله اول ۱۲ مرکز در مناطق تحت پوشش سه دانشگاه علوم پزشکی برای ارائه خدمات ۲۴ ساعته راه‌اندازی شده‌اند.» /ایرنا

استفاده از دانشجویان در طرح واکسیناسیون عمومی

معاون فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت، در نامه‌هایی جداگانه به رؤسا و سرپرستان دانشکده‌ها و دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور، بر لزوم بهره‌مندی بیشتر از ظرفیت دانشجویان علوم پزشکی در تسریع امر واکسیناسیون عمومی تاکید کرد. در این نامه تاکید شده است؛ در پی واکسیناسیون عمومی کرونا در کشور و نیاز مبرم کادر بهداشتی و درمانی به یاری و مشارکت همه‌جانبه در این زمینه و باتوجه به تاکید مقام عالی وزارت مبنی بر بهره‌مندی از ظرفیت دانشجویان در راستای تسهیل و تسریع واکسیناسیون عمومی کرونا، معاونت فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت اقدام به راه‌اندازی سامانه جهت ثبت‌نام دانشجویان داوطلب همکاری با عنوان مجاهدان واکسیناسیون کرده است که تاکنون بیش از ۵۰۰۰ دانشجو در این سامانه ثبت‌نام کرده‌اند. /وزارت بهداشت

دانش‌آموزان با بیماری‌های زمینه‌ای در اولویت واکسیناسیون

علیرضا کاظمی، سرپرست آموزش و پرورش گفت: «تمهیداتی برای واکسیناسیون دانش‌آموزان علیه کرونا صورت گرفته است. در این برنامه دانش‌آموزان پرخطر و دارای بیماری‌های خاص و زمینه‌ای در اولویت واکسیناسیون قرار دارند.» به گفته وی سال تحصیلی از ابتدای مهر آغاز و بازگشایی مدارس به‌تدریج انجام می‌شود. وی درباره واکسیناسیون معلمان نیز عنوان کرد: «تزریق دوز اول واکسن معلمان تا ۹۰ درصد انجام شده و دوز دوم هم تا ۶۰ درصد معلمان تا پایان شهریور محقق می‌شود.» کاظمی درباره آمار بازماندگان از تحصیل برای سال تحصیلی جدید افزود: «براساس سنجش سلامت نوآموزان، بیش از ۹۰ درصد پایه اول ثبت‌نام شده‌اند و احتمالا این تعداد افزایش هم می‌یابد.»

وی گفت: «به طور میانگین ۹۴ درصد در دوره ابتدایی ثبت‌نام کرده‌اند، همچنین بیش از ۹۰ درصد هم در همه پایه‌ها نام‌نویسی داشته‌اند.» /ایرنا

دیدن خانواده‌هایی که به دلیل شیوع کرونا بدون اعضای فامیل مراسم خاکسپاری را انجام می‌دهند از اتفاق‌های غمبار این روزهای بهشت‌زهراست

عکس: چاوش هماوندی جام‌جم

رودررو با مرگ

بهشت زهرای تهران همچنان روزهای شلوغ و پر از اندوهی را می‌گذراند
روزهایی که مرگ، بیش از هر زمانی خودش را به ما نشان می‌دهد

لیلا شوقی

جامعه

اینجا همه چیز بوی مرگ می‌دهد، بوی گلاب و کافور. تا چشم کار می‌کند، همه مشکی پوشیده‌اند. از هر گوشه و دالان، نوایی غمگین شنیده می‌شود؛ همهمه، شیون، جیغ و صدای گریه و بعد صداها آرام می‌گیرد و صدای بلندی می‌گوید: «بلند بگو لااله‌الا...» و دوباره زیر صدای گریه و شیون شنیده می‌شود. داستان همه آرامستان‌ها همین است، صدای موسیقی همه‌شان حزن‌انگیز و پر از اشک است؛ اما ۱۹ ماه است که ساز ناکوک ویروس کرونا، آرامستان‌ها را شلوغ‌تر کرده است. دیروز ۴۴۸ هموطن، جان خود را به دلیل ابتلا به بیماری کرونا از دست دادند. به این عدد باید مرگ و میر ناشی از بیماری‌ها، مرگ طبیعی و تصادفات را هم اضافه کرد تا بدانیم این روزها، چقدر آرمستان‌های کشور شلوغ و پرتردد است. هرچند مدیرکل اداره سلامت شهرداری تهران دیروز از این گفت که در شش روز گذشته آمار فوتی‌های ناشی از کرونا در تهران ۱۵ درصد کاهش پیدا کرده است اما آن‌طور که کارمندان و مسوول روابط عمومی سازمان بهشت زهرا می‌گویند، در تهران هر روز ۳۵۰ تا ۴۰۰ متوفی در خانه ابدی‌شان آرام می‌گیرند. هرچند که همه چیز در بهشت زهرا، با نظم خاصی انجام می‌شود، با این وجود اما مشکلات ریز و درشتی وجود دارد که از نظر شهروندان باید حل شود. بزرگ‌ترین مشکل این روزهای شهروندان در بهشت زهرا، مدت‌زمان انتظار طولانی است. انتظار یک ساعت و نیم تا دو ساعته در هر بخش اداری، این روزها تاب و توان شهروندان را در بهشت زهرا گرفته است و به خطر ابتلا به ویروس، دامن می‌زند. چراکه بسیاری از افرادی که در سالن‌های انتظار هستند و برخی از کارکنان، از ماسک استفاده نمی‌کنند. به جز این اما تامین هزینه قبرها، برای برخی از شهروندان دغدغه‌ای جدی است. با وجود این که گفته می‌شود هر تهرانی، قبری مجانی در بهشت زهرا دارد اما شهروندان از این گلایه دارند که باید هزینه پرداخت کنند.

نرسیده به ساختمان آجری، ترافیک شروع می‌شود. نزدیک در ورودی، ترافیک اتومبیل‌ها و رفت‌وآمد مراجعان بیشتر می‌شود. زن و مرد، همه لباس مشکی به تن کرده‌اند. دوسه مرد، بدون ماسک، داد می‌زنند: «گل... غذا... رزرو...» اینجا ساختمان عروجیان بهشت زهرای تهران است.

انتظارهای کشنده

سالن پذیرش، جایی کنار در ورودی قرار دارد. حیاط پر از جمعیت است. بیشتر جمعیت این بخش مردانی هستند که با تلفن همراه صحبت می‌کنند. یک نفر از پشت تلفن داد می‌زند: «گل و حلوا را سفارش دادی؟» آن یکی به زبان ترکی صحبت می‌کند. مامور انتظامات تنها یک نفر را با مدارک می‌فرستد به داخل سالن و اجازه ورود به کسانی که مدارک ندارند، نمی‌دهد؛ اما از پشت شیشه سالن هم می‌توان دید که در محل پذیرش متوفیان، صف‌های طولانی تشکیل شده است. مرد میانسالی که زیر سایه درختی ایستاده، می‌گوید: «یک ساعت است که منتظریم تا کارهای پذیرش‌مان تمام شود.» مادر همسر مرد، به دلیل ابتلا به کرونا در بیمارستان جان خود را از دست داده است. مرد آه می‌کشد و می‌گوید میت روی زمین مانده و کارهای پذیرش این‌قدر طولانی شده است؛ سرتکان می‌دهد و پکی به سیگار می‌زند. برای مرد جوانی هم که مات و مبهوت روی زمین نشسته، مدت‌زمان انتظار طولانی است؛ مرد جوان توضیح می‌دهد که برادر بزرگ‌ترش برای انجام کارهای پذیرش، یک ساعت و نیمی می‌شود که در سالن است. مرد زیر لب حرف می‌زند. می‌گوید که حال پدرش خوب بود، با هم نشسته بودند و تلویزیون می‌دیدند، بعد اما به یکباره حالش بد شد و به دو روز نرسیده، به دلیل ابتلا به بیماری کرونا جان خود را از دست داد. حرفش که به اینجا می‌رسد، آه و اشک، چاشنی صدایش می‌شود.

در سالن تحویل میت نیز زمان به کندی می‌گذرد. زن تکیه داده به دیوار و چشم دوخته به صفحه نمایشی که نام هفت میت رویش نقش بسته است؛ پنج میت در حال شست‌وشو و دو میت در حال آماده شدن برای خروج و تحویل به خانواده و بستگان است.

می‌گوید یک ساعت و نیم است که منتظرند تا میت‌شان از غسالخانه بیرون بیاید. هر دو سه دقیقه یک‌بار، بلندگوی سالن، نام یک متوفی را می‌خواند و بعد جمعیت زیادی از بانوان و مردان برای تحویل به طرف بخش دریافت میت می‌روند.

پیرزن با چشم‌های پر از اشک به جمعیت نگاه می‌کند، تنهاست. چند قدم راه می‌رود و بعد دوباره می‌ایستد، چند قطره اشک می‌ریزد و دقیق نگاه می‌کند به جمعیت و دوباره از نو راه می‌رود.

پاهایش سنگین و شانه‌اش خمیده است، انگار باری را بر دوش می‌کشد. با صدای گرفته می‌گوید از ساعت ۸ صبح در سالن انتظار نشسته تا پسرش، همسرش را از سردخانه بیمارستان ترخیص کند. او توضیح می‌دهد که همسرش بیماری سرطان داشته و به دلیل ابتلا به بیماری کرونا، در خانه حالش بد می‌شود. بعد او با اورژانس تماس می‌گیرد، آنها همسرش را به بیمارستان می‌برند و او در اورژانس بیمارستان جان خود را از دست می‌دهد. کارهای ترخیص بیمارستان اما طولانی شده است. حالا ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه است و پیرزن تنها و منتظر، یک چشمش آه است و چشم دیگرش اشک.

منهای پروتکل‌های بهداشتی

از سالن پذیرش که بیرون می‌آییم، جمعیت به یکباره زیاد می‌شود، همه تنگ هم، بدون هیچ فاصله اجتماعی ایستاده‌اند. برخی گریه می‌کنند و بعضی دیگر با هم حرف می‌زنند. صدای سرفه، صدای دیگری است که بعد از صدای گریه در فضا شنیده می‌شود. بعضی از مردان و زنان ماسک به صورت ندارند، راه می‌روند و سرفه می‌کنند. یک مرد میانسال کمی دورتر از جمعیت ایستاده است. ماسک به صورت ندارد، با تلفن صحبت می‌کند و با صدای غمگین حرف می‌زند. اسم چند نفر را می‌آورد و می‌گوید آنها هم کرونا دارند و نتوانستند بیایند برای مراسم دفن. مرد می‌گوید خودش کرونا نگرفته است. تلفن را قطع می‌کند، دست می‌برد و اشکش را پاک می‌کند. دو سه باری سرفه خشکی می‌کند، دماغش را بالا می‌کشد، بعد آب دهانش را می‌اندازد روی زمین و راهش را می‌کشد و می‌رود.

سالن تحویل میت شلوغ است، برای تحویل همه جمع می‌شوند و با هم متوفی را برمی‌دارند تا به سالن خواندن نماز میت بروند. برای لحظه‌ای، همه به هم می‌چسبند و بعد دور می‌شوند. سالن تحویل به یکباره شلوغ می‌شود، جمعیت زیادی پشت میتی راه می‌افتند، همه تنگ هم با ماسک و بدون ماسک ذکر «لااله‌الا...» می‌خوانند. جمعیت با قدم‌هایی کند و طولانی در سالن خواندن نماز میت جمع می‌شوند و کنار هم، شانه به شانه هم، به خواندن نماز میت می‌ایستند. پسر نوجوانی ایستاده رو به جمعیت، می‌گوید: «پیر بود، کرونا داشت.» بوی مرگ به مشام می‌رسد.

جنازه‌های جوان

سالن تحویل میت، سالن انتظار، محوطه و حیاط پر از مردان و زنان پیر و میانسال است. پر از پدران و مادرانی که برای به خاک سپردن فرزندشان مراجعه کرده‌اند. پیرزنی تکیه داده است به دیوار و فریاد می‌زند: «ای کاش مادرت مرده بود و این روز را نمی‌دید.» دختر جوانی که کنار پیرزن ایستاده و آرام گریه می‌کند، می‌گوید خواهر کوچکش که تازه ۲۲ سالش تمام شده بود، به دلیل ابتلا به کرونا جان خود را از دست داده است. گریه زمانی اوج می‌گیرد که پدر، میت لاغر و کوتاهی را تحویل می‌گیرد. میت سبک به نظر می‌رسد، پدر اما انگار بار سنگینی بر دوش دارد، کند و کشدار راه می‌رود.

مرد میانسال، دست زن میانسال را گرفته است. هر دو تنها گوشه‌ای ایستاده‌اند و با چشم‌های تار از اشک، خیره نگاه می‌کنند به صفحه نمایشگری که نام پسرشان روی آن حک شده است. مرد می‌گوید که پسرش با دوستانش به یکی از شهرهای شمال سفر کرد و بعد از آن به بیماری کرونا مبتلا شد. مرد تازه از بیمارستان مرخص شده و زن هم بیماری سبکی گرفته بود، تنها پسرشان اما نتوانسته با بیماری مبارزه کند و حالا هر دو منتظرند تا پیکرش را برای سپردن به خاک، تحویل بگیرند. بلندگو اسم‌شان را صدا می‌زند. پشت میت بلندقامتی، یک مرد و زن با شانه‌های خم‌شده، آرام راه می‌روند.

میت کوتاه و لاغر، میان پارچه سفید پیچیده شده است. دو پیرمرد با شانه‌های خمیده و آرام، او را حمل می‌کنند. یکی از پیرمردها با گوشی همراهش فیلم می‌گیرد، از پشت تلفن، تصویر زن و مرد جوانی پیداست که ماسک اکسیژن زده‌اند و گریه می‌کنند. یکی از پیرمردها می‌گوید: «نوه پسری‌ام را دارم خاک می‌کنم، چه کسی فکرش را می‌کرد که پسر سالم و سرحالم با یک ویروس از پا دربیاد؟ فقط ۱۲ سالش بود.» پیرمرد گریه می‌کند و میت را می‌سپارد به آمبولانس بهشت‌زهرا تا او را به خانه ابدی‌اش ببرند.

از ۵ تا ۶۰ میلیون تومان

همین یک ماه پیش بود که یکی از اعضای شورای شهر پیشین گفت همه تهرانی‌ها یک قبر رایگان در بهشت‌زهرا دارند اما با ورود به ساختمان عروجیان و زمان پذیرش است که اعضای خانواده‌های متوفیان متوجه می‌شوند باید برای خرید خانه ابدی عزیزشان هزینه کنند و دست به جیب شوند. سوال بسیاری از آنها این است که قبر رایگان به چه کسانی تعلق می‌گیرد؟ مرد میانسالی برای خانه ابدی مادرش حدود ۶۰ میلیون تومان پرداخت کرده است. او می‌گوید که خانه ابدی مادرش در قطعه‌های میانی بهشت زهراست و حدود ۶۰ میلیون تومان هزینه کرده و سه طبقه قبر خریده.

او می‌گوید: «باید هر سه قبر را می‌خریدم، این قبرها دیگر برای خانواده ما شده است.» و می‌زند زیر گریه. برای مردی که تمام لباس‌هایش خاکی است و چشم‌های خسته‌ای دارد اما خرید هر سه قبر، حدود هفت میلیون تومان هزینه داشته است. او می‌گوید که خانه ابدی برادرش، جایی در قطعات تازه بهشت زهرا قرار دارد. زن میانسالی که شال سیاهش، یک وری روی سرش است، از هزینه حدودا ۲۵ میلیون تومانی برای خرید قبر می‌گوید. قبری که او خریداری کرده، جایی در قطعات میانی بهشت زهراست. زن آه می‌کشد و می‌گوید: «برای مردن هم باید پول بدهیم... روزگار بدی شده است.»

مرد میانسالی برای خانه ابدی مادرش حدود ۶۰ میلیون تومان پرداخت کرده است. او می‌گوید که خانه ابدی مادرش در قطعه‌های میانی بهشت زهراست

رعایت ۷۴ درصدی پروتکل‌ها

با رضا پورناصرانی، مدیر روابط عمومی سازمان بهشت زهرا، درباره دغدغه‌ها و مشکلاتی که شهروندان در سازمان بهشت زهرا با آنها روبه‌رو هستند، صحبت کردیم. او رعایت نکردن پروتکل‌های بهداشتی از سوی برخی کارمندان بهشت زهرا را رد می‌کند و توضیح می‌دهد که طبق گزارش اخیر وزارت بهداشت و درمان، سازمان بهشت زهرا بالاترین امتیاز را دارد و ۷۴ درصد از پروتکل‌های بهداشتی در این سازمان رعایت می‌شود و همه تمهیدات اندیشیده شده تا از آلام و دردهای مردم کاسته شود. او ادامه می‌دهد: «ممکن است برخی از کارمندان در فضای باز و برای استراحت از ماسک استفاده نکنند اما هیچ کسی بدون ماسک کار نمی‌کند.»

پورناصرانی، مدت‌زمان انتظار برای انجام کارهای اداری را طبیعی می‌داند و توضیح می‌دهد که قبل از شیوع ویروس کرونا، سازمان بهشت زهرا روزانه پذیرش ۱۶۰ تا ۱۸۰ متوفی را انجام می‌داد و به طور متوسط نیز، ۴۵ دقیقه تا یک ساعت از شروع روند پذیرش تا تحویل میت و خاکسپاری، زمان لازم بود. با شیوع ویروس کرونا و افزایش متوفیان و پذیرش روزانه بیش از ۳۵۰ تا ۴۰۰ متوفی در تهران، مدت زمان انجام روند پذیرش به یک ساعت و نیم تا دو ساعت افزایش پیدا کرده است.

مدیر روابط عمومی سازمان بهشت زهرا، این مدت‌زمان را طبیعی می‌داند، چراکه تعداد کارمندان سازمان تغییری نکرده است و کارمندان در شیفت‌های فشرده کار می‌کنند. از طرفی ورودی و تعداد متوفیان روزانه افزایش یافته است. او همچنین درباره قیمت قبر هم توضیحاتی می‌دهد: «هزینه قبر در تهران طبق مصوبه شورای شهر تهران محاسبه می‌شود.» به گفته پورناصرانی، هر متوفی تهرانی می‌تواند یک طبقه قبر رایگان در بهشت زهرا داشته باشد که به قطعات جاری معروف‌اند و هر کسی می‌تواند از آنها استفاده کند. برای احیای قبرهای بیش از ۳۰ سال اما شهروندان باید دست به جیب شوند و برای احیای هر طبقه حداقل پنج میلیون تومان هزینه کنند. هزینه خرید قبرهای قدیمی اما در قطعه قدیمی و فازهای ۱ و ۲ بهشت زهرا متفاوت است و ممکن است تا طبقه‌ای ۲۵ میلیون تومان هم برسد، این بدان معناست که برای خرید قبر سه طبقه، شهروندان حداکثر ۷۵ میلیون تومان هزینه می‌کنند. احیای قبر، تنها به درخواست خانواده متوفی انجام می‌شود. مدیر روابط عمومی سازمان بهشت زهرا عنوان می‌کند: «صیانت مدیریت سازمان بهشت زهرا (س) از کارکنان شاغل در این سازمان و همچنین شهروندان و مراجعه‌کنندگان امر بسیار مهمی است، زیرا به دلیل شتاب و چالش‌هایی که در دوران فراگیری کرونا وجود دارد، یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر، پرسنل آرامستان‌ها هستند.» او توضیح می‌دهد در حالی که کارکنان در بسیاری از ادارات، با کاهش ساعت کاری مواجه شده‌اند، کارمندان سازمان بهشت زهرا، با افزایش ساعت کاری، حضور مستمر و حتی قرنطینه به دلیل ابتلا به کرونا مواجه شده‌اند و از حضور در جمع خانواده محروم هستند. هرچند که پورناصرانی توضیح می‌دهد که در سازمان غربالگری به صورت مستمر انجام می‌شود و اگر ابتلایی در بین کارمندان مشاهده شود، سریع برای درمان اقدام می‌شود. به گفته او تاکنون مرگ و میر ناشی از کرونا بین کارمندان بهشت زهرا گزارش نشده است.

این روزهای شلوغ

بهشت زهرا این روزها شلوغ است، این را نه ما که کارکنان این سازمان می‌گویند. کارگری که در بهشت زهرا و بدون ماسک، جارو به دست دارد، تند و سریع همه زباله‌ها را جارو می‌کند. او می‌گوید که این روزها، روزانه ۳۵۰ تا ۴۰۰ نفر در این سازمان به خاک سپرده می‌شوند. دو روحانی روی صندلی‌ها و در فضای باز نشسته‌اند. هر دو ماسک‌های لاغرشان را پایین داده‌اند و استراحت می‌کنند، یکی از روحانیون می‌گوید که در هر شیفت کاری، شش روحانی هستند و روزانه برای ۳۰ تا ۳۵ میت نماز می‌خوانند. صدای «لااله‌الا...» شنیده می‌شود، آنها از روی صندلی بلند می‌شوند و خودشان را برای نماز خواندن آماده می‌کنند.

خستگی از چشم‌های مردی که راننده آمبولانس متوفیان بهشت زهراست، می‌بارد. او می‌گوید که هر روز به طور متوسط ۲۸ تا ۳۰ میت را به خانه ابدی می‌رساند. سازمان، ۱۷ آمبولانس دارد و چون این روزها تعداد متوفیان هم زیاد است، چهار آمبولانس دیگر به‌زودی به ناوگان حمل‌ونقل اضافه می‌شود. او می‌گوید: «همین یکی دو هفته پیش، آمار انتقال‌مان ۵۴۰ متوفی در روز بود.» مردی که در دکه چاپ آگهی ترحیم ایستاده، می‌گوید که از زمانی که ویروس کرونا در کشور قربانی می‌گیرد، تعداد سفارش‌های‌شان زیاد شده است. اگر پیش از این روزی ده آگهی چاپ می‌کرد، این روزها تعداد بیشتر و روزانه ۳۰ آگهی ترحیم چاپ می‌کند.